

ارزش توصیف در ارزشیابی

کبری محمودی

کارنامه‌ی امسال پسر من متفاوت از سال‌های پیش است. از دیدن آن خیلی خوش حال شدم. چند بار براندازش کردم. شاید حدود یک ساعتی مدام گزینه‌هایش را بررسی کردم. چند تا «بسیار خوب» دارد. حتی چند تا «نیاز به تلاش» هم دارد.

بیا باید با تصویر درباره‌ی آن حرف بزنیم. از درس فارسی شروع می‌کنم. هر ساله، فارسی او «خوب» ارزشیابی می‌شود، در حالی که به نظر من مادر و خودش، او در فارسی «بسیار خوب» و حتی «عالی» است. راستش تا به امروز، ما متوجه نشده بودیم چرا این همه اختلاف نظر بین ما و مدرسه وجود دارد. گاهی پسر من فکر می‌کرد معلم با او لجبازی می‌کند. به قول خودش: «شاید خانم من از من خوشش نمی‌یاد!»

اما امروز و در این کارنامه، همه چیز به وضوح قابل درک است. او در فارسی هم خوب دارد، هم بسیار خوب و هم قابل قبول. همان‌طور که در کارنامه می‌بینید، در ارزشیابی درسی مثل فارسی، هفت مورد لحاظ شده است. پسر من در موارد ۱، ۲، ۳ و ۴ «بسیار خوب»، در مورد ۵ «خوب» و در موارد ۶ و ۷ «قابل قبول» معرفی شده است. این مفاهیم به خوبی نشان می‌دهند، این دانش آموز در نوشتن به خط تحریری و نیز در تعامل با دیگران ضعف دارد و لازم است در این موارد بیشتر بکوشد.

این توضیحات توصیفی، نه تنها مرا، بلکه خود دانش آموز را نیز متوجه می‌کند که چرا تا به حال در فارسی نتیجه‌ی خوب می‌گرفته، نه بسیار خوب. جالب این‌جاست که خودش گفت: «مامان اینا که کاری نداره. دفعه‌ی بعد،

ردیف	شرح	مدرسه		خانواده	
		بسیار خوب	خوب	بسیار خوب	خوب
۱	آیات و عبارات قرآنی کتاب درسی را به صورت صحیح و روان می‌خواند.				
	مفهوم یا معنای پیام قرآنی را به زبان ساده بیان می‌کند.				
	به قرآن احترام می‌گذارد و هنگام شنیدن آن سکوت می‌کند.				
	نسبت به خواندن آیات و عبارات قرآنی از روی مصحف شریف علاقه نشان می‌دهد.				
	داستان‌های کتاب درسی را با ذکر جزئیات بیان می‌کند.				
	خداوند را با یاور خود می‌داند و او را به واسطه‌ی حمایت‌هایش سیاست‌گذاری می‌کند.				
	نمونه‌هایی از رفتارهای بی‌اسر و نامرأیان می‌کند و به ایشان احترام می‌گذارد.				
۲	فعالیت‌های مربوط به کتاب تاز را درست و به موقع انجام می‌دهد.				
	حضرت مریم را با ویژگی‌های متعددی معرفی می‌کند و در مورد آن توضیح می‌دهد.				
	از زندگی حضرت عیسی داستان‌هایی بیان می‌کند و برای الگو گرفتن از زندگی ایشان تلاش می‌کند.				
	نمونه‌هایی متنوع از عملکردهای قرآنی و نتایج خوب آن را بیان می‌کند.				
	به نمونه‌های متنوعی از تقسیم و هماهنگی پدیده‌های خلقت و به‌عنوان دلیلی بر یگانگی خدا اشاره می‌کند.				
	با استفاده از کارآزارهای مناسب به پرسش‌ها پاسخ می‌دهد.				
	به‌طور مناسب و مؤثر در برابر جمع سخن می‌گوید در خواندن متون نثر و شعر توانایی دارد.				
۳	در نقد و تحلیل متن توانایی دارد.				
	درباره‌ی یک موضوع متنی ساده می‌نویسد.				
	اصول درست‌نویسی و علائم نگارشی را رعایت می‌کند.				
	در گفتگو با دیگران مشارکت فعال دارد و پیام خود را به صورت متسجم بیان می‌کند.				
	کلمات را صحیح و زیبا و خط خوش می‌نویسد.				
	پیام اصلی متن شنیداری را با ذکر جزئیات بیان کرده و به پرسش‌های با استدلال پاسخ می‌دهد.				
	در ضرب و تقسیم اعداد چندرقمی و مسائل مربوط به آن مهارت دارد.				
۴	عدد نویسی تا ۱۲ رقم را انجام می‌دهد و به خوبی اعداد را مقایسه می‌کند.				
	گسرها و اعداد مخلوط را مقایسه و جمع و تفریق می‌کند.				
	ضرب و تقسیم گسرها و اعداد مخلوط را انجام می‌دهد. (رسم شکل)				
	رایج‌ترین الگوهای عددی و هندسی مختلف را پیدا کرده و الگوارا ادامه می‌دهد.				
	مسائل را به خوبی درک کرده و آن‌ها را حل می‌کند.				
	جمع و تفریق اعداد مرکب را انجام می‌دهد.				
	در شناخت نسبت‌های مساوی و تناسب را مهارت دارد.				
۵	تمرین‌ها و مسائل مربوط به نسبت و تناسب و درصد را حل می‌کند.				
	تمرین‌های مربوط به تقارن محور و مرکزی را به خوبی انجام می‌دهد.				
	تقارن و قرینه‌ی یک نقطه را نسبت به خط رسم می‌کند.				
	در رسم زاویه و ایسماز مهارت لازم را دارد.				
	تمرین‌های مربوط به مجموع زاویه‌های اشکال هندسی را انجام می‌دهد.				
	اعداد اعشاری را می‌شناسد و انواع عملیات آن را انجام می‌دهد.				
	مساحت اشکال توپعدی و حجم اشکال سه‌بعدی و مسائل آن را انجام می‌دهد.				
تمرین‌های مربوط به آمار و احتمال و اهداف فصل ۷ کتاب را انجام می‌دهد.					

ادب تو باش بارحی کن

فارسی رو بسیار خوب می‌گیرم. اما تو ریاضی نمی‌تونم. آخه خانمون راست گفته. من مسئله‌ها رو نمی‌تونم حل کنم. به نظرت چه کار کنم؟»

چند لحظه به این دو جمله که از پسر من نقل قول کردم، دقت کنید. در اولی، چون نمی‌دانست ضعف کارش کجاست، گمان می‌کرد معلم با او لج دارد یا از او خوشش نمی‌آید، اما در دومی، تنها به خاطر چند توصیف و توضیح ساده، دانش آموز اقرار می‌کند که معلمش درست گفته. من فلان چیز را بلد نیستم. در وهله‌ی اول، او می‌داند و می‌فهمد که می‌تواند ضعف خود را بر طرف کند و سپس متوجه ضعف می‌شود و می‌داند که نیاز به کمک گرفتن از دیگران دارد.

به همین سادگی! ارزشیابی توصیفی، اگر به درستی انجام گیرد، به همین سادگی مشکلات بسیاری را حل می‌کند. اگر هر کسی بداند گره کارش در کجاست، به اولین و شاید مهم‌ترین مرحله‌ی حل مشکل رسیده است. ذهن پسر من درگیر مسئله‌ای شد که ناخودآگاه به آن فکر خواهد کرد. مهم این است که خود مسئله را کشف کرده و آن را پذیرفته است.

در این کارنامه، در برابر هر درس، چند مهارت مطرح شده و توانایی دانش‌آموز در هر یک محک می‌خورد. فارسی یک موضوع کلی است. اما خود این موضوع، به چند مهارت اساسی تقسیم شده است و توانمندی فرد در هر کدام از این مهارت‌ها مورد توجه است. این شیوه از ارزشیابی، اصلاً با نمره قابل توصیف نیست. در کارنامه‌های قدیمی، فارسی یک موضوع بود و ریاضی هم یک

موضوع. وقتی دانش‌آموزی نمره‌ی ۱۹ یا ۱۴ یا حتی زیر صفر می‌گرفت، فقط می‌فهمید که کدام سؤال‌ها را غلط و کدام‌ها را درست نوشته است. او به راحتی متوجه نمی‌شد در چه مهارتی ضعیف یا قوی است. اما در این شیوه، چنانچه به درستی اجرا شود، چنانچه توصیف انجام شود، چنانچه فارسی یا ریاضی یا هر کدام از درس‌ها یک مهارت کلی در نظر گرفته نشوند و جزء به جزء آن‌ها بررسی و سنجیده شود، هدف واقعی از ارزشیابی حاصل خواهد شد. یعنی ارزشیابی برای یادگیری صورت خواهد گرفت، نه به منظور اعلام نتیجه‌ای بی‌حاصل.

در تعریف ارزشیابی توصیفی گفته‌اند: «فرایند جمع‌آوری، تجزیه، تحلیل و تفسیر اطلاعات حاصل از به‌کارگیری ابزارهای سنجش و ارائه‌ی بازخورد توصیفی در جهت هدایت این جریان به سوی تحقق اهداف.» لازم است یادآوری کنم، پسر من اولین محصول سند برنامه‌ی درسی ملی و ارزشیابی توصیفی است. یعنی اولین سال ورود او به مدرسه، مصادف بود با تولد این سند و این طرح. بنابراین، اولیای هم‌کلاسی‌های او، از همان روزهای اول، آرزو می‌کردند کاش فرزندشان یک سال زودتر یا حتی دیرتر به مدرسه می‌آمد تا موش آزمایشگاهی ارزشیابی توصیفی نمی‌شد. آن‌ها معنی ۱۹ و ۲۰ و ۱۱ و ۱۲ را خوب متوجه می‌شوند، اما بسیار شنیده‌ام که بر سر فرق بسیار خوب و خوب اختلاف نظر دارند. بارها شنیده‌ام که می‌کوشند معادل عددی این توصیف‌ها را برای فرزندانشان معنا کنند. سال گذشته (۱۳۹۴) پنجمین سال بود

که ارزشیابی توصیفی به طور رسمی جریان داشت. من و پسر من توصیف را در این طرح حس کردیم. برای اولین بار به معادل نمره‌ای نتیجه‌های کارنامه فکر نکردیم. اصلاً مهم نبود نمره‌ی فارسی در مجموع چند شده است. آنچه مهم بود، پیدا شدن نقاط ضعف و قوت بود. متأسفم برای سال‌هایی که از دستشان دادیم؛ سال‌هایی که می‌توانستیم به جای گرفتن بازخوردهایی در حد فقط یک کلمه در هر درس، به این روشنی از وضعیت ضعف و قوت دانش‌آموزان باخبر شویم! راستش متأسفم برای دانش‌آموزانی که هنوز هم به شیوه‌ی نادرست ارزشیابی توصیفی می‌شوند! اگر امسال معلم فعلی پسر من این آموزگار نبود، شاید پسر من ابتدایی را تمام می‌کرد، بی‌آنکه به درستی در ارزشیابی توصیف شود. یعنی ارزشیابی توصیفی این همه به شخص معلم بستگی دارد. و چه خوش شانس است پسر من!

گمان نمی‌کنم دور از ادب باشد در آغوش گرفتن و بوسیدن دست‌های خانم معلم پسر من. من دبروز به سختی مرخصی گرفتم و با اکراه به مدرسه رفتم تا کارنامه‌ی پسر من بگیرم. اما امروز با شوق و با شاخه‌ای گل به خدمت معلمش رسیدم تا دستش را ببوسم و از او تشکر کنم، به خاطر این مزه‌ی خوش که به کام ما نشاند. آیا باز هم آموزگاری یک مادر را چنین هیجان‌زده و خوشنود خواهد کرد؟ آیا دیگر دانش‌آموزان سرزمینم هم می‌توانند طعم خوش ارزشیابی توصیفی را بچشند؟ کاش می‌توانستم معلم پسر من را تشکر کنم! من نمی‌توانم، چون معلم نیستم و تنها یک مادرم. اما آیا شما می‌توانید؟